

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۰۸ جولای ۲۰۱۶

## اعتصاب غذا؛ ستراتیژی یا تکتیک

۱

اعتصاب غذای طولانی مدت "جعفر عظیم زاده" و گسترش حمایت از وی در داخل زندان با اعتصابات متعدد چندین زندانی دیگر و هم چنین حمایت گسترده فعالان سیاسی و حقوق بشری در داخل ایران و سراسر جهان، باعث گردید تا فعالان سیاسی و قلم به دستان کشور ایران "جعفر عظیم زاده" را در نبردش تنها نگذاشته، هریک از منظر و زاویه دید خودش ضمن حمایت از شخص آقای "عظیم زاده"، نظرات شان را در قبال "اعتصاب غذا"، "مقبولیت" و "عدم مقبولیت" آن ابراز دارد.

در نتیجه وقتی ما نوشته های متعددی من جمله نوشته دو تن از همکاران همیشگی پورتال آقابان "بهرام رحمانی" معنون به "اعتصاب غذای عمومی را به گوش افکار عمومی جهان برسانیم" و "حمید محوی" زیر عنوان "اعتصاب غذا در قطب مخالف مبارزه طبقاتی" را که در پشتیبانی از آقای "عظیم زاده" نگارش یافته و در ظاهر با هم در تخالف قرار داشتند، منتشر نمودیم، عده ای از خوانندگان ارجمند پورتال که به گفته خودشان "در درست بودن و نادرست بودن اسلحه اعتصاب غذا مردد مانده اند"، سؤالاتی را مطرح و از این قلم به نمایندگی از پورتال خواسته اند، تا نظرم را در زمینه ابراز بدارم. ضمن ابراز امتنان از این خوانندگان ارجمند، اینک آنچه را خود در زمینه می اندیشم تقدیم آنها می نمایم، باشد به مثابه "برگ سبز تحفه درویش" پذیرفته، خود شان با تصحیح و تکامل آن، بر من منت گذارند.

۱- نخستین نکته ای که می باید به پاسخ آن پرداخته شود، دفاع از خط و سیاست نشراتی پورتال در قبال سوال "آیا پورتال حق دارد، به مانند برخی از سایتک ها، خود را به میدان دعوی این و آن مبدل نماید" که یکی از خوانندگان همیشگی پورتال پرسیده اند، می باشد.

خواننده نهایت عزیز، این که نوشته اید امیدوارید از طرح چنین سؤالی رنجشی به وجود نیاید، از همه اولتر می توانیم به شما خواننده عزیز که در طول تمام این سالها با ما بوده اید و مسؤولانه توأم با دقت کامل مسیر حرکت پورتال را از نظر دور نداشته، گاهگاهی با تبصره های کوتاهی ما را در ادامه کارمان تشویق نموده اید، اطمینان بدهیم که طرح چنین سؤالاتی نه تنها باعث رنجشی نمی گردد که اصولاً هم نباید بگردد، بلکه امکان آن را به وجود می آورد تا گردانندگان پورتال من جمله این قلم، خود را در آئینه قدنمای قضاوت خوانندگان عزیز چون شما دیده، در صورت لزوم با "ویراستاری کار پورتال" سطح آن را به مدارج بالاتری ارتقاء دهیم.

و اما به ارتباط نشر نظرات متضاد؛ تا جایی که منوط به دو مقاله مورد نظر است، برداشت ما از هر دو مقاله چنان است که آنها نه تنها در اساس که همانا حمایت از آقای "عظیم زاده" باشد، با هم مغایرت ندارند، بلکه از همان جهت مکمل همدیگر نیز می باشند، اگر قرار باشد اختلافی بین آنها مشخص گردد، این اختلاف تنها در صراحت لهجه همکار ما آقای "محو" است وقتی در اساس "اعتصاب غذا" را نافی و مغایر با مبارزه طبقاتی معرفی می دارند، در حالی که همکار دیگر ما آقای "رحمانی" ضمن آن که در همان مقاله و به خصوص در مقاله قبلی شان معنون به "شلاق، اعتصاب غذا، شکنجه، زندان و ..." آنهم در چهار قسمت از تأثیرات بد و دراز مدت "اعتصاب غذا" یاد کرده اند، در مورد خاص آقای "عظیم زاده"، بیشتر بر چگونگی مؤثر ساختن اعتصاب غذا تمرکز نموده اند.

از آن گذشته، وقتی می پذیریم که در جامعه ای که ما خود در آن زیست داریم و در مقیاس بزرگتر جامعه جهانی به صد ها تضاد خرد و بزرگ، اساسی و غیر اساسی، عمده و تابع وجود دارد، منطقی می باید بپذیریم تضارب آراء و عقاید و برداشت های متفاوت و متضاد نیز می باید وجود داشته باشد، آراء و عقاید متضادی که باز تاب شان را در نگارش های متفاوت از پدیده های متفاوت و حتا یک پدیده واحد به منصفه ظهور می رسانند.

با حرکت از چنین منظری، مشاهده می گردد که نه تنها نشر افکار متفاوت امر بدی نیست، بلکه صداقت و پایداری ما را در تعمیم اصل "بگذار صد گل بشکفتد و صد مکتب با هم رقابت کند" به اثبات می رساند. خواننده نهایت عزیز،

این که ما در طول حدود هشت سال حیات پربار و پر جوش پورتال، نخواستیم به دشمنان مردم افغان و دشمنان خلقهای سراسر جهان تربیون تبلیغاتی بسازیم و صفحات پورتال را زیر عنوان دموکراسی در خدمت اهداف امپریالیزم و آزمندیهای سیاسی ارتجاع سیاه منطقه و فئودالیزم محتضر قرار بدهیم و یا هم نخواستیم ایم هیچ گاهی به افکار و عقاید تفرقه افکن مذهبی، قومی، زبانی و نژادی میدان دهیم، نباید بدان معنا تعبیر گردد که پورتال می خواهد فقط مقالاتی را منتشر بسازد که همه در تطابق کامل با هم قرار داشته باشند.

چه کارنامه و عملکرد پورتال در طول سالهای حیاتش به وضاحت نشان داده است که هرگاه مسأله عبور از خطوط قرمز پورتال در میان نبوده است، پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" در نشر تضارب آراء تا جایی پیش رفته است که نه تنها در گذشته مشابه آن را نمی توان در تاریخ افغانستان سراغ گرفت، بلکه در همین شرایط کنونی نیز در سطح نشرات مربوط به افغانها، هیچ نهادی جرأت همترازی با آن را در نشر مطلب متضاد ندارد. بی مورد نخواهد بود هرگاه به مثابه مثال از نشر همزمان نوشته های آقایان داکتر "امین الدین سعیدی" و داکتر "سها" و یا آقای "آزاد ل." یاددهانی نمایم.

از آن گذشته، پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" به مثابه یک نشریه آزاد و دموکراتیک که به همت تنی چند از افرادی با خاستگاه های مبارزاتی متفاوت به وجود آمده، خلاف ادعای کلاشانی از قماش "هاشمیان" که آن را گاهی "ارگان ایدئولوژیک" معرفی می دارد و زمانی هم به گفته همکار عزیز ما آقای "عزیز نعیمی" نبوغش را بلاهت به اثبات رسانیده آن را "ارگان" جریان "شعله جاوید" که از چهار دهه بدین سو به تاریخ پیوسته است، ارگان مرکزی، ایدئولوژیک، دموکراتیک، نشراتی و ... کدام حزب و یا سازمانی نیست که می باید تمام نشراتش بر همان خط رسمی آن حزب و یا سازمان، در انطباق کامل قرار داشته باشد؛ حتا اگر چنان هم می بود- که نیست- می باید به نشر تضارب آراء به مثابه بازتاب تضاد های موجود در جامعه گردن نهاده، از آن طریق بستر رشد و بالندگی اش را فراهم می نمود.

۲- آنچه را افراد زیر نام خودشان اعم از این که از جمع متصدیان پورتال باشند و یا همکاران قلمی پورتال، می نگارند در کنار آن که مسؤولیت ویراستاری و نشر آن را پورتال آگاهانه به دوش می گیرد، مسؤولیت نگارش آن بر دوش

شخص نویسنده است، یا به عبارت دیگر پورتال به صورت مستقیم مسؤلیت آن نوشته هائی را به عهده دارد که یا به صورت اعلامیه های پورتال منتشر می گردند و یا هم این که با امضای "اداره پورتال" به شکل یادداشت، افزوده و یا تبصره نگاشته می شوند. با در نظر داشت چنین حقیقتی، هرگاه در آینده ها در مورد مسأله خاصی- به هیچ صورت عبور از خطوط قرمز پورتال مورد نظر نیست- اختلافی در تحلیل بین نویسندگان، همکاران قلمی و حتا متصدیان پورتال به مشاهده برسد، نباید آن را با آنچه به گفته آن خواننده عزیز در "سایتک ها" می گذرد، همسان دانست. بناً باید گفت، آنچه را من با امضای خود می نگارم و یا یک تن از همکاران دیگر پورتال با امضای خود، مطلبی را تقدیم خوانندگان می نماید، نباید آن را به مثابه مواضع پورتال دانسته، حکم نموده که گویا پورتال در منجلاب "سایتک ها" افتاده است.

این که تا امروز در خطوط کلی آن بین متصدیان پورتال و اکثر همکاران قلمی تقابل قلمی صورت نگرفته، نباید چنان پنداشته شود که گویا ما یک حزب و یا یک سازمانی هستیم که در آن تضارب آراء جای ندارد و یا این که در آینده نیز چنین خواهد ماند، بلکه می باید آماده بود تا به هرگونه اختلاف نظری با دقت کامل توجه نموده، مجرای حل درست آن اختلاف را که در جهت تعالی سیر شناخت ما از پدیده ها حرکت نماید، مشخص ساخته بدان عمل نمود.

۳- "اعتصاب غذا" چه به صورت خشک و چه به صورت تر، در هر دو صورت سخت مضر بوده به علاوه آن که ادامه آن ممکن است به مرگ زنده جان خاتمه بیابد، حتا اگر به مرگ هم منتج نگردد، تأثیرات بد و مخرب آن بر ارگانیزم موجود زنده، به خصوص بر روی سلول های مغزی و فعالیت های جگر به صورت ماندگار باقی می ماند. جهت درک دقیق از تأثیرات مخرب "اعتصاب غذا" صمیمانه از شما تقاضا می نمایم، تا بار دیگر به مقاله آقای "بهرام رحمانی" معنون به "شلاق، اعتصاب غذا، شکنجه، زندان و ..." مراجعه نمائید.

۴- "اعتصاب غذا" که در کل به مثابه بخشی از "مبارزه منفی"- آگاهانه از کاربرد "مقاومت منفی" امتناع صورت گرفته است تا گذشته از اشکالات معنایی با اصطلاحات مروج در فزیک نیز مغالطه صورت نگیرد- به شمار می رود، تا جایی که از مطالعات کردار شناسانه در مورد حیوانات بر می آید به انسانها محدود نمانده، دانشمندانی که کردار حیوانات را مورد مذاقه قرار داده اند، نمود های برجسته آن را در میان برخی از حیوانات بحری و خشکی تثبیت کرده اند. به خصوص آن عده از حیواناتی که از درجه شعور بالاتری برخوردار اند مانند دلفین ها و برخی از انواع خرسها، در مقابل برخی از مظلومی که انسانها بر آنها وارد می نمایند، یا آزادی آنها را سلب نموده و یا هم آنها را از جفت های شان جدا می نمایند تا پای جان به "اعتصاب غذا" دست یازیده اند.

اگر از عکس العمل حیوانات و حتا گیاهان در این مورد بگذریم و توجه خویش را به "اعتصاب غذا" به جوامع انسانی معطوف داریم، باید بنویسم که سابقه "اعتصاب غذا" به مثابه مبارزه منفی علیه خدایان، طبیعت و جامعه به سابقه قدیمترین مدنیت های بشری سر می زند.

تاجائی که از مطالعات گذشته به خاطرمانده، قدیمترین مدنیتی که در آن "مبارزه منفی" در مقاطعی از زمان به صورت یک ستراتیژی مطرح گردیده است، مدنیتی است که در نیم قاره هند شکل گرفته، بستر پیدایش ادیانی چون هندوئیسم، بودیزم و جانیئیسم و سایر ادیان آن خطه بوده است. در میان ادیان فوق که به مانند تمام ادیان دیگر من جمله ادیان ابراهیمی احکام شان می تواند به مثابه مجموعه ای از اضداد به شمار آیند، دیانت "جانیئیسم" که یکی از معروف ترین پیروان آن "گاندی" رهبر بلامنازع مبارزات استقلال طلبانه هندوستان بود، جای دارد.

وقتی ما در مسحیت دقیق می شویم و اصل "وقتی کسی بر گونه راستت سیلی زد؛ گونه چپت را نیز جلو ببر" - انجیل متی باب پنجم فصل آخر - را به مثابه رهنود عیسی شناسائی می نمایم، هیچ جای شکی باقی نمی ماند که مبارزه منفی که یکی از اشکال آن همین "اعتصاب غذا" است، در آن دیانت از جایگاه خاصی برخوردار است.

خلاف تصور برخی ها که فکر می کنند، مبارزه منفی در اسلام جائی ندارد، مطالعه قرآن به خصوص آیات مکی و زمانهائی که تا آنگاه مسلمانان توانائی تقابل مستقیم با قریش و رسیدن به توانائی "مبارزه مثبت" را که چیزی به جز استفاده از زور در مقابل زور نیست، نداشتند در حد یک رهنمود حتما ستراتیژیک مطرح نظر بود چنانچه در آیت ۶۸ سوره انعام "وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِينُكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۶۸) - ترجمه- هر وقت کسانی را که آیات ما را استهزاء می کنند مشاهده نمائی از آنها روی بگردان تا به سخن دیگری بپردازند و اگر شیطان از یاد تو ببرد، به محض توجه پیدا کردن با (این) جمعیت ستمگر منشین. (۶۸) و یا هم در آیت ۶۳ سوره فرقان وقتی می گوید: "وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (۶۳) ترجمه - بندگان خاص خداوند رحمن آنها هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند به آنها سلام می گویند (و با بی اعتنائی و بزرگواری می گذرند). (۶۳)

هرچند بین گونه چپ را هم برای سیلی جلو بردن، با سلام دادن، فاصله وجود دارد، مگر در اساس وقتی از منظر مقابله به مثل که خشونت و استفاده از قهر و مبارزه مثبت را الزام آور می سازد، به مسأله نگریده شده، شاهد می گردد که اسلام هم در زمانش به شکلی از اشکال، نه تنها تمسک به مبارزه منفی را منتفی ندانسته، بلکه با وضاحت تمام به مثابه یک اصل ستراتیژیک از پیروانش خواسته است تا بدان عمل نماید.

و اما برگردیم به "اعتصاب غذا" در قرون معاصر:

ادامه دارد